

روش شناسی حکم

محمد عرب صالحی



روش‌شناسی حکم

محمد عرب‌صالحی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ سوم: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

طراح جلد: سیدایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: آرزوی دیدار

سروش‌نامه: عرب‌صالحی، محمد، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام بدیادآور: روش‌شناسی حکم / محمد عرب‌صالحی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۲۸۳ص.

شابک: ۰ - ۳۱۵ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه، یادداشت: نمایه.

موضوع: اصول فقه - فلسفه.

موضوع: حکم واقعی (فقه).

موضوع: حکم وضعی (فقه).

شماره افزودن: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۹/ع۴۹ ۱۵۵/ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۷۰۷۲۲

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهیدبهشتی، تقاطع بزرگراه

شهید مدرس، پلاک ۵۶، تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

فروشگاه کتاب اندیشه: تهران، خیابان انقلاب، روبروی

درب اصلی دانشگاه تهران، پلاک ۱۲۴۸، تلفن: ۶۶۱۷۵۶۷۰

www.pouict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست اجمالی

۲۱.....	مقدمه
۲۳.....	فصل اول: چیستی حکم و برآیند روش شناختی آن
۳۷.....	گفتار اول: معانی اعتبار و اعتباری و اقسام آن
۵۱.....	گفتار دوم: تعریف و چیستی حکم شرعی
۷۱.....	گفتار سوم: برآیند روش شناختی ماهیت حکم
۸۵.....	فصل دوم: قلمرو حکم شرعی و برآیند روش شناختی آن
۸۹.....	گفتار اول: قلمرو حکم شرعی
۹۷.....	گفتار دوم: برآیند روش شناختی قلمرو حکم
۱۳۱.....	گفتار سوم: بررسی دیدگاه‌ها در حجیت خبر واحد در تفسیر و علوم انسانی
۱۵۹.....	فصل سوم: ساختار داخلی حکم تکلیفی و برآیند روش شناختی آن
۱۶۳.....	گفتار اول: تبیین ساختار داخلی حکم
۱۷۳.....	گفتار دوم: بررسی و تحلیل مبنای مهم خطابات قانونیه
۲۰۳.....	فصل چهارم: مبادی حکم و برآیند روش شناختی آن
۲۰۷.....	گفتار اول: ضرورت تبعیت احکام از ملاکات واقعی
۲۱۹.....	گفتار دوم: خاستگاه ملاکات در احکام
۲۳۵.....	گفتار سوم: عقل و کشف ملاک حکم شرعی
۲۴۷.....	فصل پنجم: انواع حکم و برآیند روش شناختی هر کدام
۲۵۱.....	گفتار اول: ماهیت حکم حکومتی و برآیند روش شناختی آن

- گفتار دوم: مولوی و ارشادی ۲۸۳
- گفتار سوم: احکام امضایی و تأسیسی ۳۱۳
- گفتار چهارم: احکام وضعی ۳۲۹
- گفتار پنجم: حکم واقعی و حکم ظاهری ۳۳۹
- گفتار ششم: حکم تعبدی و حکم توصلی ۳۴۹

فهرست تفصیلی

۱۷	پیشگفتار.....
۲۱	مقدمه.....
۲۱	الف) تبیین مسئله.....
۲۳	ب) اهداف و ضرورت تحقیق.....
۲۳	ج) سؤال‌های تحقیق.....
۲۳	۱- ج) مسئله اصلی تحقیق.....
۲۴	۲- ج) سؤال‌های فرعی تحقیق.....
۲۴	د) فرضیه یا فرضیه‌های تحقیق.....
۲۴	ه) فرضیه‌های رقیب.....
۲۵	و) پیشینه تحقیق.....
۲۶	ز) روش تحقیق.....
۲۶	ح) نوآوری‌های تحقیق.....
۳۰	ط) نقدهای ایرادشده در تحقیق.....
۳۰	ی) ساختار تحقیق.....
۳۳	فصل اول: چیستی حکم و برآیند روش شناختی آن.....
۳۷	گفتار اول: معانی اعتبار و اعتباری و اقسام آن.....
۳۷	الف) معنای اعتباری.....
۳۸	ب) اقسام اعتبار به معنای چهارم.....

- ج) ایرادهای وارد بر تقسیم آقای سیستانی ۳۹
- د) بررسی دیدگاه‌ها در حقیقت امر اعتباری ۴۰
- د-۱) معنای اعتباری در نظر علامه طباطبایی ۴۰
- د-۲) حقیقت امر اعتباری در نظر آقایان و نقد آن ۴۱
- د-۳) نظر استاد لاریجانی (لزوم تفکیک میان بحث معناشناختی و بحث زبان‌شناختی) ۴۳
- هـ) اعتبار، انشا و تنزیل ۴۴
- هـ-۱) بررسی دیدگاه‌ها در معنای انشا ۴۴
- هـ-۱-۱) نظر مشهور ۴۴
- هـ-۱-۲) نظر آقایان ۴۵
- هـ-۱-۳) نظر محقق خویی ۴۶
- هـ-۲) رابطه اعتبار و تنزیل ۴۷
- نتیجه‌گیری ۵۰
- گفتار دوم: تعریف و چیستی حکم شرعی** ۵۱
- الف) تعریف لغوی و اصطلاحی حکم ۵۱
- ب) ماهیت احکام تکلیفی شرعی ۵۳
- ۱- ب) جایگاه بحث ۵۳
- ۱-۱) تفاوت بحث از حکم با بحث از مدلول صیغه امر و نهی ۵۵
- ۱-۲) مبنای دیدگاه‌ها در ماهیت حکم ۵۶
- ۲- ب) بررسی دیدگاه‌ها در ماهیت حکم تکلیفی ۵۶
- ۲-۱) ماهیت حکم از نظر آقایان ۵۶
- ۲-۲) ماهیت حکم از نظر محقق اصفهانی ۵۸
- ۲-۳) ماهیت حکم از نظر علامه طباطبایی ۵۹
- ۲-۴) ماهیت حکم از نظر محقق خویی ۶۰
- ۲-۵) ماهیت حکم از نظر محقق روحانی و نقد آن ۶۰
- ۲-۶) نگاهی متفاوت به ماهیت حکم ۶۲
- ۲-۷) نظر نهایی ۶۴

- نتیجه‌گیری ۶۹
- گفتار سوم: برآیند روش‌شناختی ماهیت حکم ۷۱
- الف) برآیند روش‌شناختی اعتباری بودن حکم ۷۱
- ب) کارکرد عقل استدلالی در اعتبارات از نگاه علامه طباطبایی ۷۳
- ج) ایرادهای وارد بر نظر علامه طباطبایی ۷۴
- د) ماهیت گزاره‌های اصولی و کاربرد استدلال و برهان منطقی ۷۸
- ۱-د) نظر علامه طباطبایی و نقد آن ۷۸
- ۲-د) نظر محقق خویی و نقد آن ۸۰
- نتیجه‌گیری ۸۲
- فصل دوم: قلمرو حکم شرعی و برآیند روش‌شناختی آن ۸۵
- گفتار اول: قلمرو حکم شرعی ۸۹
- الف) اشاره اجمالی به تقسیمات آموزه‌های دین و تعیین قلمرو هر کدام ۸۹
- ب) عدم خلط واقع از حکم ۹۰
- ۱- ب) طرح مسئله ۹۰
- ۲- ب) بررسی اقوال در مسئله ۹۲
- ۳- ب) نظر مختار ۹۳
- نتیجه‌گیری ۹۶
- گفتار دوم: برآیند روش‌شناختی قلمرو حکم ۹۷
- الف) درآمد ۹۷
- ب) بررسی دیدگاه‌ها در حجیت خیر واحد در اعتقادات ۹۸
- ۱- ب) مراد از حجیت اخبار در غیر حوزه تشریح ۹۹
- ۲- ب) نظر اهل سنت ۱۰۰
- ۳- ب) نظر اخباریون شیعه ۱۰۱
- ۴- ب) نظر شیخ انصاری ۱۰۶
- هـ ب) نظر علامه طباطبایی ۱۰۸
- ع ب) نظر استاد سبحانی ۱۱۳

- ۷- ب) نظر محقق خویی..... ۱۱۴
- ۸- ب) نظر استاد لاریجانی..... ۱۱۶
- ۹- ب) نظر سیدجعفر مرتضی‌العاملی و نقد آن..... ۱۱۷
- ۱۰- ب) نظر شیخ محمد سند و نقد آن..... ۱۱۹
- نتیجه‌گیری..... ۱۲۸
- گفتار سوم: بررسی دیدگاه‌ها در حجیت خبر واحد در تفسیر و علوم انسانی.... ۱۳۱**
- الف) بررسی دیدگاه‌ها..... ۱۳۱
- ۱- الف) نظر محقق خویی..... ۱۳۱
- ۲- الف) نظر استاد فاضل لنکرانی..... ۱۳۲
- ۳- الف) نظر استاد معرفت..... ۱۳۳
- ۴- الف) نقد نظریات سه محقق مذکور..... ۱۳۴
- ۵- الف) راهی دیگر در اثبات حجیت و نقد آن..... ۱۳۹
- ۶- الف) نگاهی مقایسه‌ای و رد آن..... ۱۵۰
- ب) نظر نهایی..... ۱۵۲
- نتیجه‌گیری..... ۱۵۶
- فصل سوم: ساختار داخلی حکم تکلیفی و برابند روش‌شناسی آن..... ۱۵۹**
- گفتار اول: تبیین ساختار داخلی حکم..... ۱۶۳**
- الف) تفکیک موضوع، متعلق و متعلق متعلق در حکم..... ۱۶۳
- ۱- الف) نظر شهید صدر..... ۱۶۴
- ۲- الف) نظر استاد لاریجانی..... ۱۶۵
- ب) مراتب حکم..... ۱۶۸
- ۱- ب) نظر آخوند خراسانی و نقد آن..... ۱۶۸
- ۲- ب) نظر امام خمینی..... ۱۷۰
- نتیجه‌گیری..... ۱۷۱
- گفتار دوم: بررسی و تحلیل مبنای مهم خطابات قانونیه..... ۱۷۳**
- الف) درآمد..... ۱۷۳

- ب) ادله و شواهد قول به خطابات قانونیه ۱۷۷
- ج) آثار مترتب بر قول به خطابات قانونیه ۱۸۰
- د) اشکالات وارده بر قول به خطابات قانونیه و پاسخ آن ۱۸۳
- ۱- د) مخالفت خطابات قانونی با کیفیت تخاطب مردم حجاز در زمان نزول قرآن .. ۱۸۳
- ۲- د) استحاله اهمال در احکام الهی ۱۸۸
- ۳- د) عویصه انحلال ضمنی خطابات قانونیه ۱۹۰
- ۴- د) لزوم افتراق بین مطلق با عام و عدم افتراق بین عام مجموعی با عام افرادی ۱۹۲
- ۵- د) عدم جریان خطابات قانونیه در نواهی ۱۹۳
- ۶- د) مخالفت قول به خطابات قانونیه با ظاهر برخی آیات ۱۹۴
- ۷- د) انکار وقوع خطاب قانونی در عرف ۱۹۵
- ۸- د) اشکال نقض غرض ۱۹۷
- ۹- د) اشکال در کیفیت تصویر خطابات قانونیه ۱۹۸
- ۲۰۰ نتیجه‌گیری
- فصل چهارم: مبادی حکم و برآیند روش شناختی آن ۲۰۳
- گفتار اول: ضرورت تبعیت احکام از ملاکات واقعی ۲۰۷
- الف) جایگاه بحث ۲۰۷
- ب) ادله تبعیت احکام از مصالح و مفاسد ۲۱۱
- ۱- ب) ادله عقلی ۲۱۲
- ۲- ب) دلالت آیات ۲۱۴
- ۳- ب) نظر رقیب و بررسی آن ۲۱۵
- ۳-۱- ب) شواهد دیدگاه رقیب ۲۱۶
- ۳-۲- ب) اشکالات وارده بر این دیدگاه ۲۱۷
- ۲۱۸ نتیجه‌گیری
- گفتار دوم: خاستگاه ملاکات در احکام ۲۱۹
- الف) جایگاه بحث ۲۱۹
- ب) بررسی دیدگاه‌ها در خاستگاه ملاک ۲۲۰

- ۱- ب) متعلق حکم، خاستگاه انحصاری ملاک ۲۲۰
- ۱-۱- ب) استحاله تعلق حکم به متعلق بدون ملاک ۲۲۰
- ۱-۲- ب) تنافی با معنای حکم ۲۲۲
- ۱-۳- ب) لغویت مصلحت در نفس جعل ۲۲۳
- ۲- ب) امکان وجود ملاک در متعلق حکم یا در نفس حکم ۲۲۳
- ۲-۱- ب) استدلال به اوامر امتحانیه و پاسخ آن ۲۲۴
- ۲-۲- ب) استدلال به عبادات قریبه و پاسخ آن ۲۲۶
- ۲-۳- ب) استدلال به اوامر تقیه‌ای و پاسخ آن ۲۲۸
- ۲-۴- ب) استدلال به اوامر و نواهی ظاهری و رد آن ۲۲۸
- ۳- ب) امکان وجود ملاک در متعلق یا در حکم یا غیر آن دو ۲۲۹
- ۳-۱- ب) استناد به اوامر امتحانیه و رد آن ۲۳۰
- ۳-۲- ب) استدلال به اوامر تقیه‌ای و رد آن ۲۳۱
- ۳-۳- ب) استدلال به اوامر صادر شده برای اظهار آمریت و پاسخ آن ۲۳۲
- نتیجه‌گیری ۲۳۳
- گفتار سوم: عقل و کشف ملاک حکم شرعی** ۲۳۵
- الف) بررسی دیدگاه‌ها در مسئله ۲۳۵
- ۱- الف) امتناع فهم ملاک از سوی عقل بشری ۲۳۵
- ۲- الف) امکان فی‌الجمله فهم ملاک توسط عقل ۲۳۷
- ۳- الف) تفصیل مبن کشف ملاک حکم مکشوف و کشف ملاک برای رسیدن به حکم و رد آن ۲۳۸
- ۴- الف) امکان فی‌الجمله اما بی‌ثمر بودن درک ملاک و پاسخ آن ۲۴۰
- ب) نظر مختار ۲۴۱
- ۱- ب) جهات شش‌گانه قاعده ملازمه ۲۴۲
- ۲- ب) ملازمه عقل با شارع در درک مصلحت و مفسده ۲۴۲
- ۳- ب) ملازمه عقل با شارع در درک حسن و قبح ۲۴۳
- ۴- ب) ملازمه میان درک هر یک از مصلحت و مفسده با حکم مولوی ۲۴۳
- ۵- ب) ملازمه میان امر و نهی مولوی با مصلحت و حسن یا قبح متعلق ۲۴۴

- نتیجه گیری ۲۴۵
- فصل پنجم: انواع حکم و برآیند روش شناختی هر کدام ۲۴۷
- گفتار اول: ماهیت حکم حکومتی و برآیند روش شناختی آن ۲۵۱
- مقدمه ۲۵۱
- الف) ماهیت حکم حکومتی ۲۵۳
- ۱- الف) حکم ولایی و توقیت ۲۵۸
- ۲- الف) قلمرو حکم حکومتی ۲۶۰
- ۲-۱) الف) نظر شهید صدر ۲۶۰
- ۲-۲) الف) نگاه حضرت امام خمینی به احکام حکومتی ۲۶۱
- ب) روش شناسی احکام حکومتی ۲۶۳
- ۱- ب) قاعده اولیه ۲۶۴
- ۲- ب) روش شناسی تشخیص مصلحت در احکام حکومتی ۲۶۴
- ۲-۱) ب) لسان ادله و نصوص نقلی ۲۶۵
- ۲-۲) ب) مرتکزات مشرعه ۲۶۶
- ۲-۳) ب) دلیل عقل ۲۶۷
- ج) روش شناسی مصادیق مصلحت ۲۶۷
- ۱- ج) لزوم تفکیک میان موضوع و مصادیق ۲۶۷
- ۲- ج) حجیت همه راه‌های عرفی عقلایی در تشخیص مصادیق مصلحت ۲۶۸
- ۳- ج) مواردی از واگذاری تشخیص مصادیق به عرف عقلا در ققه استنباطی ۲۶۸
- ۴- ج) جایگاه مشورت در احکام حکومتی ۲۷۰
- ۵- ج) نقش روش‌های نقلی در تعیین مصادیق مصالح حکومت ۲۷۳
- عرج) تشخیص مصادیق مصلحت از طریق قیاس، استحسان، ۲۷۵
- د) روش شناسی احکام تشریحی، قضایی و ولایی معصوم در روایات ۲۷۹
- نتیجه گیری ۲۸۱
- گفتار دوم: مولوی و ارشادی ۲۸۳
- الف) تعریف حکم ارشادی ۲۸۴

- ب) اطلاعات ارشادی و پیشینه آن ۲۸۶
- ۱- ب) لزوم تفکیک میان دو اطلاق حکم ارشادی ۲۸۶
- ۲- ب) سایر اطلاعات ارشادی در کلمات فقیهان ۲۸۹
- ۳- ب) پیشینه بحث ۲۹۰
- ج) روش‌شناسی حکم ارشادی در قبال مولوی ۲۹۲
- ۱- ج) معیارهای مطرح در تشخیص حکم ارشادی از مولوی ۲۹۴
- ۱-۱- ج) معیار مستقلات عقلیه در سلسله علل احکام ۲۹۵
- ۱-۲- ج) معیار مستقلات عقلیه در سلسله معالیل احکام و نقد آن ۲۹۷
- ۱-۳- ج) معیار استحاله حکم مولوی و نقد آن ۳۰۱
- ۱-۴- ج) معیار ارتباط با امور دنیوی و نقد آن ۳۰۲
- د) نظر میرزا حبیب‌الله رشتی ۳۰۴
- ه) نظر نهایی ۳۰۵
- و) اجمالی از معنای ارشادی در کتب فقهی و حدیثی عامه ۳۰۷
- ز) روش‌شناسی حکم ارشادی در قبال حکم تکلیفی ۳۰۹
- ۱- ز) اوامر و نواهی وارد در خصوص مرکبات اعتباری ۳۰۹
- ۲- ز) موارد یقین به عدم حکم تکلیفی ۳۱۰
- نتیجه‌گیری ۳۱۱
- گفتار سوم: احکام امضایی و تأسیسی ۳۱۳
- الف) تعریف و اطلاعات حکم امضایی ۳۱۳
- ب) تفاوت‌های حکم امضایی و حکم ارشادی ۳۱۵
- ج) شرعیت احکام امضایی ۳۱۷
- ۱- ج) ماهیت امضا ۳۱۹
- ۲- ج) احکام امضایی و جعل حکم مماثل ۳۲۱
- ۳- ج) نظر مختار ۳۲۲
- د) روش‌شناسی کشف امضای شارع در احکام امضایی ۳۲۳
- ه) شبهه تاریخ‌مندی بخشی از احکام امضایی و رد آن ۳۲۴

- نتیجه‌گیری ۳۲۸
- گفتار چهارم: احکام وضعی ۳۲۹
- الف) تعریف حکم وضعی و وجوه تسمیه آن ۳۲۹
- ب) تفاوت‌های حکم وضعی و حکم تکلیفی ۳۳۱
- ج) گستره حکم وضعی ۳۳۲
- د) امکان جعل در احکام وضعی ۳۳۳
- هـ) نظر آخوند خراسانی در حقیقت حکم وضعی و نقد آن ۳۳۴
- و) روش‌شناسی احکام وضعی ۳۳۷
- نتیجه‌گیری ۳۳۸
- گفتار پنجم: حکم واقعی و حکم ظاهری ۳۳۹
- الف) تعریف حکم واقعی و حکم ظاهری ۳۳۹
- ب) روش‌شناسی جمع بین حکم واقعی و حکم ظاهری ۳۴۰
- ۱- ب) تبیین مسئله ۳۴۰
- ۲- ب) راه‌های برون‌رفت از محذورات جمع میان حکم واقعی و حکم ظاهری ... ۳۴۱
- نتیجه‌گیری ۳۴۷
- گفتار ششم: حکم تبعدی و حکم توصلی ۳۴۹
- الف) معنای توصلی و تبعدی ۳۴۹
- ب) قلمرو تبعدی و توصلی ۳۵۰
- ج) کیفیت اخذ قصد امتثال در متعلق امر در عبادیات ۳۵۱
- د) روش‌شناسی تبعدی و توصلی ۳۵۲
- ۱- د) معانی چهارگانه تبعدی و توصلی ۳۵۲
- ۲- د) مقتضای اطلاق دلیل و اصل عملی در معنای اول ۳۵۳
- ۳- د) مقتضای اطلاق دلیل و اصل عملی در معنای دوم ۳۵۴
- ۴- د) مقتضای اطلاق دلیل و اصل عملی در معنای سوم ۳۵۵
- ۵- د) مقتضای اطلاق دلیل و اصل عملی در معنای چهارم ۳۵۵
- هـ) تأثیر مبادی حکم در تبعدیت و قربیت ۳۵۶

۳۵۸.....	نتیجه‌گیری
۳۶۱.....	کتابنامه
۳۷۵.....	فهرست آیات
۳۷۷.....	نمایه اعلام
۳۸۱.....	نمایه موضوعی

پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی، به‌ویژه تعالیم متعالی اسلامی، به عنوان فکر و فرهنگ متری و نجات‌بخش آدمی در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم وحیانی و ارزش‌های اسلامی از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌ستیزی در آنان شد و از سوی دیگر به نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلک‌ها و مکاتب بشری و نظام‌های مبتنی بر آنها انجامید.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه‌پروری و نوآوری درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث فکری، به فراخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های رایج دینی به منظور عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم از ساحت قدسی دین و تبیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری قشرهای تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی - پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی منحص و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد علمی - فکری بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، با تلاش فراوان آیت‌الله علی‌اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳

تأسیس شد.

این پژوهشگاه شخصیتی حقوقی و مستقل دارد و در حکم نهاد عمومی و غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری دینی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی که مشتمل بر شش گروه علمی با عنوان‌های «معرفت‌شناسی»، «مطالعات قرآن و حدیث»، «فلسفه»، «کلام»، «عرفان» و «منطق فهم دین» است، در جهت تحقق اهداف ذیل فعالیت می‌کند:

۱. بازپژوهی و بازپیرایی حکمت و کلام و معارف اسلامی؛
 ۲. تبیین و ساماندهی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛
 ۳. ایجاد بستر مناسب برای تعمق، پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛
 ۴. پاسخ به شبهه‌های القایی در قلمرو عقاید و کلام اسلامی؛
 ۵. نقد مکاتب و دیدگاه‌های معارض در حوزه زیرساخت‌های اندیشه دینی.
- در راستای تحقق اهداف فوق، هر یک از گروه‌ها، پس از تهیه عنوان‌های مطالعاتی اساسی و اولویت‌گذاری و تهیه پیش‌طرح و تصویب آن در شورای علمی گروه، آن را به اعضای هیئت علمی خود یا محققان عرصه دین‌پژوهی، واگذار می‌کنند و با نظارت بر روند اجرای تحقیق و تأیید نهایی برای دسترسی عموم دانش‌پژوهان حوزه دین‌پژوهی، آن را به چاپ و نشر می‌رسانند.

روش‌شناسی و منطق فهم و اکتشاف دین، از جمله مسائل مهم دین‌پژوهی است که گروه منطق فهم دین، عهده‌دار این رسالت مهم است و هدف از آن، شناسایی میراثی است که در طول تاریخ توسط عالمان و اندیشمندان مسلمان در راستای روش فهم دین یا منطق اکتشاف گزاره‌ها و آموزه‌های دینی در حوزه‌های گوناگون پدید آمده است. می‌توان اهداف اصلی این گروه را به شرح ذیل برشمرد:

- پیگیری و توسعه تحقیق کلیدی مبانی و منطق اکتشاف دین و تصنیف

روش‌های تخصصی آن:

- تحلیل، آسیب‌شناسی و نقد و نوسازی میراث غنی اسلامی در ساحت

روش‌شناسی تفهم و تحقق دین؛

- مطالعه و نقد مبانی و آرای جدید و معاصر در زمینه روش‌شناسی تفهم دین،

به‌ویژه دیدگاه‌های مطرح‌شده در حوزه‌های هرمنوتیک، معناشناسی، نشانه‌شناسی،

زبان‌شناسی و دانش‌های مشابه، و اصطیاد دستاوردهای معتبر و مقبول این علوم

برای بهره‌برداری در دین‌پژوهی؛

- مطالعه تطبیقی و مقارن علوم و آرای مطرح در قلمرو منطق تفهم و تحقق

دین، و پاسخ‌گویی به شبهه‌های مطرح‌شده.

در راستای اهداف یادشده، گروه منطق تفهم دین کتاب **روش‌شناسی حکم** را

در شورای علمی گروه تصویب کرد. پژوهش حاضر بر اساس فرایند پژوهشی

پژوهشگاه به قلم محقق ارجمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد

عرب‌صالحی منتشر می‌شود. نویسنده دانش‌آموخته حوزه علمیه قم است و در

سال ۱۳۸۶ مدرک دکتری خود را در رشته فلسفه تطبیقی از دانشکده تربیت

مدرس دانشگاه قم اخذ کرده است. از نویسنده محترم اثر حاضر تا کنون کتاب

تفهم در دام تاریخی‌نگری با موضوع هرمنوتیک فلسفی و هیستوریسیزم و

تاریخی‌نگری و دین در موضوع فلسفه دین و مسئله وحی در موضوع علوم

قرآنی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به چاپ رسیده است.

کتاب حاضر که موضوع اصلی آن «مسائل فلسفه اصول فقه» است، در پنج

فصل و هفده گفتار به رشته تحریر در آمده است. چستی و هستی حکم و

برایند روش‌شناختی آن، قلمرو حکم شرعی و برایند روش‌شناختی آن، ساختار

داخلی حکم، مبادی حکم و برایند روش‌شناختی آن، انواع حکم و برایند

روش‌شناختی هر کدام، از سرفصل‌های مهم این تحقیق است.

از محقق گرامتایه که با تلاش‌های مجدانه و با سعه صدر در تولید و بالندگی

اثر تلاش کردند، از شورای علمی گروه منطق تفهم دین و ارزیابان محترم اثر،

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا شاکرین و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا اسلامی که با نکته‌سنجی‌های خود بر غنای علمی اثر افزودند، همچنین از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که وظیفه آماده‌سازی، چاپ و نشر اثر را به عهده دارد، قدردانی نموده و منتظر پیشنهادها و انتقادهای سازنده فرهیختگان و صاحب‌نظران هستیم.

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی

گروه منطق فهم دین

مقدمه

الف) تبیین مسئله

از مباحثی که به تازگی میان محققان علوم دینی مطرح شده تدوین روش‌شناسی علوم است. پیداست که هر کدام از این علوم از منهج یا مناهج خاصی پیروی کرده است؛ اما نکته این است که به روش‌شناسی این علوم به طور مستقل کمتر پرداخته شده است. برای مثال، کتب فراوانی از قدیم‌الایام در کلام و تفسیر نوشته شده، اما روش‌شناسی آنها در کتابی مجزا و به عنوان علمی مستقل کمتر مورد بحث قرار گرفته است. از معدود علوم دینی که همزمان با پیدایش روش‌شناسی آن هم به عنوان علمی مستقل شکل گرفته، فقه است که همراه آن اصول فقه نیز تدوین شده است؛ گرچه هنوز برخی در نیاز به آن به عنوان علمی مستقل تشکیک می‌کنند و گروهی هم از اساس منکر کارایی اصول فقه‌اند.

بحث دیگر اینکه آیا «اصول فقه» موجود که در واقع علمی است تدوین شده برای روش‌شناسی احکام، در سایر حوزه‌های معرفت دینی هم کاربرد دارد یا خیر؟ چه‌بسا تصور شود چون معارف دین از منابع مشخص و محدودی تغذیه می‌شوند، راه رسیدن به آن منابع هم باید یکی باشد؛ به عبارتی چون در اینجا «منابع» تعیین روش می‌کند، در نتیجه اصول فقه باید بتواند به عنوان روش‌شناسی همه علوم دینی کاربرد داشته باشد؛ درحالی‌که در سایر علوم «روش» است که منبع را تعیین و گزینش می‌کند و چون در هر یک، از

روش خاصی استفاده می‌شود، روش خاص طبعاً به منابع خاصی هم دست می‌یابد. در مقابل این دیدگاه می‌توان گفت اصل این فرق میان معارف دینی با سایر علوم قابل پذیرش است؛ اما نکته اینجاست که همه منابع معارف دینی ممکن است منبعی برای همه معارف دینی نباشند و این خود موجب تفاوت در روش‌شناسی خواهد شد. از سوی دیگر فرض وحدت منبع، اقتضا نمی‌کند که راه رسیدن به آن منبع هم در همه حوزه‌های معرفت دینی یکی باشد؛ زیرا اقتضانات هر حوزه متفاوت است و این تفاوت‌ها را باید در نظر گرفت. برای مثال، در حوزه فقه و حکم‌شناسی (یا حجت‌شناسی) چون حوزه عمل است و راه یقین به حکم هم بسته است، فقیه به دنبال حجت قطعی است، نه حکم قطعی و این با ظنون خاصه هم قابل تحصیل است؛ اما در حوزه عقاید گفته شده است یک متکلم به دنبال یافتن یقین و دسترسی به واقع است؛ چیزی که ظن خاص برای او تأمین نمی‌کند؛ بنابراین با اینکه سنت واقعی برای متکلم هم به عنوان منبعی یقین‌آور مطرح است، اما راهی که فقیه را ولو تعبداً به سنت می‌رساند، برای متکلم وافی به مقصود نیست. او دنبال کسب یقین و رسیدن به واقع است نه رسیدن به منجز و معذر و این با تعبد و ظن سامان نمی‌یابد.

تحقیق حاضر عهده‌دار تبیین ماهیت احکام و تعیین و تحلیل ویژگی‌های این بخش از آموزه‌های دینی است؛ از این حیث که در روش‌شناسی کشف و فهم آنها تأثیرگذار است و چه بسا منطق خاصی را در قبال روش‌شناسی سایر آموزه‌های دینی اعم از اعتقادات، اخلاق، علم دینی و آموزه‌های تربیتی پیشنهاد دهد. بنابراین این نوشتار در وهله اول در پی اثبات یا نفی یک روش و استدلال بر آنها نیست، بلکه سخن از روش‌های اختصاصی است که حسب اقتضای این حوزه در قبال سایر حوزه‌های معرفتی دین، قابل طرح است. گرچه در برخی موارد به اقتضای بحث وارد اصل روش‌شناسی نیز شده است، اما تفصیل بحث در اثبات یا نفی هر یک از روش‌های پیشنهادی از وظایف این تحقیق خارج است. در واقع سنگ‌بنای تحقیقات تفصیلی بعدی در این تحقیق گذاشته می‌شود.

بنابراین تحلیل و تعیین چیستی و ماهیت حکم، قلمرو حکم، ساختار داخلی حکم، مراتب حکم، مبادی حکم و انواع حکم و مختصات آنها و برآیند روش شناختی هر یک از این مباحث و مختصات از وظایف اصلی این تحقیق است و چه بسا از باب مقایسه و تطبیق گاه به روش شناسی برخی دیگر از حوزه‌های هم‌عرض احکام، مثل معارف یا اعتقادات دینی نیز پرداخته شده باشد؛ اما چنین مواردی اندک است و بحث تفصیلی آن به حوزه خود واگذار شده است.

ب) اهداف و ضرورت تحقیق

تیین ماهیت و ویژگی‌های هر کدام از حوزه‌های معارف دینی، گام اول و پایه برای تعیین روش‌های شناخت آن حوزه است. گرچه در بیشتر این عرصه‌ها، به‌خصوص حوزه احکام، از قدیم‌الایام تحقیقات دامنه‌داری صورت گرفته است، اما از حیث اختصاصات هر حوزه و نتایج روش شناختی آن، بحث مستقل و مستوفای صورت نگرفته است. ارائه چنین تحقیق بدیعی دشوار می‌نماید؛ چون در عین اینکه تحقیقی مجمل و مختصر است، متوقف بر تحقیقی اصیل در همه مباحث اصولی و دیدگاه‌های مختلف درباره هر مسئله و موضوع است؛ اما ارزش آن، تحمل سختی‌ها را توجیه می‌کند؛ زیرا می‌تواند تحقیقی بنیادین و پایه برای تحقیقات بعدی در این حوزه تمحض باشد. در یک جمله، هدف از این تحقیق شناخت آن دسته از ویژگی‌ها و اختصاصات احکام از جهت ماهیت، قلمرو، متعلق، هدف و غایت، مناسبات آن با سایر حوزه‌ها، کارکرد و... است از آن حیث که در روش فهم و کشف احکام تأثیرگذار است.

ج) سؤال‌های تحقیق

۱- ج) مسئله اصلی تحقیق

ویژگی‌های حوزه احکام و تمایزات آن با سایر حوزه‌های معرفتی دین در

چيست؟ برآيند روش‌شناختی این ویژگی‌ها و تمایزات چيست؟

۲- ج) سؤال‌های فرعی تحقیق

- ماهیت حکم فقهی چيست؟
- ماهیت اعتبار چيست؟
- تفاوت انشا و اعتبار چيست؟
- اختصاصات حوزه احکام نسبت به سایر حوزه‌ها کدام است؟
- برآيند روش‌شناختی اعتباری بودن حکم چيست؟
- برآيند قلمروشناختی حکم چيست؟
- حجیت امارات و حجج ظنی در حوزه احکام آیا قابل سرایت به سایر معارف دینی هم هست؟
- مبادی حکم چيست و چه برآيند روش‌شناختی دارد؟
- ساختار داخلی حکم چيست و برآيند روش‌شناختی آن کدام است؟
- انواع حکم کدام است و آیا این تنوع موجب تنوع در روش‌شناسی آنها هم می‌شود؟
- روش‌شناسی هر یک از انواع حکم چگونه است؟

د) فرضیه یا فرضیه‌های تحقیق

حوزه احکام شرعی، هم از حیث ماهیت متمایز از سایر حوزه‌های معرفت دینی است و هم به لحاظ مشخصات و مختصات ویژگی‌هایی دارد که با وجود برخی اشتراکات در روش‌شناسی، مقتضی روش‌شناسی خاص و متمایز از سایر حوزه‌هاست. در نفس حوزه فقه نیز با توجه به گستردگی بخش‌های آن، برخی حوزه‌ها می‌توانند روش‌شناسی خاصی متمایز از سایر حوزه‌ها داشته باشند.

ه) فرضیه‌های رقیب

دیدگاه‌های زیر می‌توانند رقیب این نوشتار مد نظر قرار گیرند:
- نفی امتیازات روش‌شناختی حوزه‌های مختلف معارف دینی و پیشنهاد

روشی واحد در همه یا بیشتر این حوزه‌ها؛

- نفی امتیاز روش‌شناختی حوزه‌های مختلف احکام و پیشنهاد روشی واحد برای رسیدن به مطلق احکام، اعم از احکام فردی، اجتماعی و فقه الحکومه؛
- لزوم تمسک به مطلق ظن و روش‌های متداول در فقه عامه مانند قیاس و مصالح مرسله و... دست‌کم در فقه حکومتی...

و) پیشینه تحقیق

اساس روش‌شناسی احکام را می‌توان همراه و همزاد علم فقه دانست؛ برای مثال ابو محمد هشام بن حکم، اهل کوفه و از اصحاب امام صادق ع، اولین مسلمانی است که در علم اصول دو رساله به نام‌های *الانفاذ و مباحثها* و *کتاب الاخبار* به رشته تحریر درآورده است^۱ و یونس بن عبدالرحمن متوفای ۲۰۸ق از اصحاب امام کاظم ع و امام رضا ع رساله‌ای در «اختلاف الحدیث» نوشته است. این کتاب اولین نوشته در باب «حدیثین مختلفین» و چگونگی رفع تعارض بین آنهاست.^۲ در عصر غیبت صغری نیز ابوسهل اسماعیل نوبختی (۲۳۷-۳۱۱ق) کتاب‌هایی در اصول فقه نوشته است که *الخصوص و العموم و الاسماء و الاحکام، النقض علی عیسی بن ابان فی الاجتهاد، نقض رساله الشافعی، نقض اجتهاد الرأی علی بن راوندی* از آن جمله‌اند.^۳ سپس در عصر شیخ مفید و سید مرتضی به صورت علمی منسجم و مدون چهره می‌نماید و امروزه پس از قرن‌ها تکامل به صورت علمی گسترده در دست ما قرار گرفته است. اما در زمینه موضوع تحقیق، کتابی مستقل و مستوفی، نه تنها در حوزه احکام، بلکه در سایر حوزه‌ها نوشته نشده است. به تازگی محققانی در این زمینه پیشقدم شده، تحقیقات مقدماتی و در عین حال راهگشایی ارائه کرده‌اند؛ از آن جمله کتاب

۱. نجاشی اسامی این دو کتاب را ضمن شمارش حدود سی کتاب از او نقل کرده است (ر.ک: ابو عمرو کشی؛ *رجال نجاشی*؛ ص ۴۳۳-۴۳۲ / *فهرست ابن ندیم*؛ ص ۲۱۷-۲۱۸).

۲. شهید ثانی؛ *تمهید القواعد*، ص ۹۸.

۳. ر.ک: ابو عمرو کشی؛ *رجال نجاشی*؛ ص ۳۲ / *فهرست للشیخ*؛ ص ۱۲-۱۳.

منطق فهم دین نوشته استاد رشاد، فصلنامه «پژوهش‌های اصولی» و کتاب دو جلدی جایگاه‌شناسی علم اصول را که مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها و مقالات ارزنده در این زمینه است، می‌توان نام برد.

البته در اصل حکم‌شناسی، کتب و مقالات زیادی نگارش یافته است، اما در نوع آن به بحث مهم پرونده‌های روش‌شناختی آن کمتر توجه شده است. برخی آثار نیز در خصوص نوعی خاص از حکم یا حکم از نگاه فردی خاص است. برخی مقالات هم بدون ماهیت‌شناسی به طور مستقیم وارد بحث روش‌شناختی در محدوده خاص شده‌اند؛ اما اثری که اساس ماهیت حکم را بررسی و مبادی و ساختار حکم و انواع آن را با نگاه برایندهای روش‌شناختی هر یک مورد بررسی و تحلیل قرار داده باشد، مشاهده نشد.

ز) روش تحقیق

پیدا است که منبع اصلی این مباحث متون نوشتاری است؛ بنابراین روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و جایگاه اول را در این مباحث دارد؛ ولی به تبع نوع مباحث اصولی و روش‌شناختی، از روش‌های عقلی و تحلیلی استفاده فراوان شده و گاه روش‌های نقلی نیز به کار رفته است.

ح) نوآوری‌های تحقیق

سخن نو در حوزه فقه و اصول فقه که فحول و نوابغ علمای دین عمر خود را در آن به تحقیق و تدوین و تحریر صرف کرده‌اند، کاری بس مشکل و ظریف است؛ بنابراین نگارنده مدعی نیست که حرفی نو و سخنی تازه در این نوشتار دارد و نکاتی که در پی می‌آید، بیشتر شاید شکلی و ساختاری بوده یا از باب کمی بضاعت و اطلاع، توهم نبودن آن برای نگارنده حاصل شده باشد و اگر نبود تکلیف به اعمال آیین‌نامه پژوهشی، از بیان این بخش اجتناب می‌کردم. پیشاپیش از محضر استادان و بزرگان عذر می‌خواهم.

به‌طورکلی و موجز برخی نوآوری‌های این تحقیق از این قرار است:

نوآوری در اصل موضوع: تا کنون کتاب مستقلی با موضوع ماهیت‌شناسی

حکم همراه برابند روش شناختی آن مشاهده نشده است؛ گرچه مباحث مختلف مطرح شده در این کتاب به صورت موضوعی و پراکنده مطرح بوده است. نوآوری در نقدهای کلی به روند و نحوه طرح برخی موضوعات مطرح در اصول فقه، به خصوص از شیخ انصاری به بعد؛ برای مثال ابهامات موجود در تعریف حکم و بیان ماهیت و حقیقت آن، ابهامات در معنای ارشادی و مولوی، پراکندگی و پریشانی مباحث و طرح آن در غیر جایگاه خود، ابهامات موجود در تلازم حکم عقل و شرع، ابهامات در مراد از یقین معتبر در اعتقادات و... نوآوری‌های خاص در هر فصل و گفتار: نوع فصول و گفتارهای این تحقیق خالی از طرح مباحث کلیدی و ارائه دیدگاه‌های نو و گاه پاسخ به شبهه‌های نوپدید نیست.

در موضوع اعتباری بودن احکام به دنبال اثبات این نکته‌ایم که اگر مراد از حکم، معنای مصدری آن، یعنی فعل شارع باشد، هرگز اعتباری نخواهد بود و اگر مراد معنای اسم مصدری، یعنی نفس احکام خمسه باشد، باز انتزاعی است و نه اعتباری؛ مگر آنکه مراد از اعتباری را اعم از انتزاعی بدانیم. تعریف اصولیان از حکم میان دو معنای فوق سردرگم است.

در خصوص اعتباری بودن گزاره‌های فقهی و حتی گزاره‌های اصولی نیز اثبات خواهد شد که هیچ‌کدام اعتباری نیست؛ زیرا همه اخبار از واقع است و اخبار امری واقعی عینی است؛ مگر آنکه مراد از اعتباری اصطلاحی ابداعی باشد؛ مثلاً هر گزاره‌ای که در مورد امر اعتباری باشد، اعتباری بدانیم.

در برابند روش شناختی قلمرو حکم، بحثی عمیق و مستوفی درباره اعتبار روایات و حجج در تفسیر، در امور اعتقادی، تفسیر، معارف و علوم انسانی مطرح خواهد شد که خالی از مطالب نو و ابداعی نخواهد بود.

قول به ظنی‌الدلاله بودن نقل که بر سر زبان‌ها افتاده، مورد نقد جدی قرار خواهد گرفت و بر اطمینان‌آوردن بخش اعظم نقل تأکید خواهد شد.

قول به اعتبار یقین فلسفی حتی در اعتقادات مورد خدشه قرار گرفته و از سوی دیگر یقین‌آوردن خبر متواتر در صورتی که یقین به معنای دقیق فلسفی

آن باشد، مورد نقد واقع خواهد شد.

تفکیک میان مطلوب در علوم غیرفقهی، اعم از تفسیر و سایر علوم انسانی اسلامی و وضعیت موجود در این علوم از نکات دیگری است که مورد مذاقه قرار می‌گیرد و نتیجه آن، نزدیک شدن به اعتبار امارات در این علوم خواهد بود. در این تحقیق بیش از نُه نگاه در حجیت یا نبود حجیت روایات در اعتقادات مورد بررسی و تحلیل واقع می‌شود.

در بحث از مراتب حکم به تناسب، مبنای مهم و کارگشای خطابات قانونیه مطرح خواهد شد و ضمن تحلیل نظریه و آثار مهم مترتب بر آن، همه اشکالات مطرح در رد این مبنا بررسی و ضمن پاسخ‌های متعدد به اشکالات، اصل مبنا با اندک تصرف تثبیت می‌شود.

در فصل چهارم که به بحث از مبادی حکم اختصاص دارد، نسبت انکار حسن و قبح عقلی و به تبع آن، نسبت انکار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد به اخباریون نقد می‌شود و با استناد به کلمات فحول اخباریون، این نسبت رد خواهد شد. آنچه اخباریون به آن قائل‌اند، تلازم میان حکم عقل و حکم شرع است. آنها عقل را به عنوان منبع حکم شرعی در کنار نقل نمی‌پذیرند. همچنین نسبت انکار حسن و قبح عقلی به همه اشاعره مورد نقد واقع می‌شود.

در همین فصل در بحث ملازمه میان حکم عقل و شرع میان سه مقام تفکیک می‌شود: اول مقام درک مصلحت و مفسده که در این مقام قطعاً عقل وقتی آن را درک کرد، یقین دارد که شارع نیز چنین درکی دارد. دوم مقام درک حسن و قبح که همچون سابق، عقل ملازمه را هم می‌پذیرد. اما مقام سوم که حکم الزامی عقل به فعل یا ترک است، ملازمه‌ای میان آن و حکم شرع نیست چون چه‌بسا شارع منع از حکم داشته باشد که موارد آن در متن بیان شده است. در نوع کلمات اصولیان میان این سه مقام تفکیک نشده و گاه در نحوه استدلال میان سه مقام خلط شده است.

در فصل پنجم در گفتار اول در ماهیت حکم حکومتی، پاسخگویی آن به نیازهای متغیر اجتماع و روش‌شناسی آن، مطالب ابداعی مطرح شده است:

اینکه حکم حکومتی استنباطی نیست و محور آن بر تشخیص مصادیق مصالح استنباطی است؛ اینکه حکم حکومتی قسیم حکم شرع است، نه قسمی از آن؛ اینکه در حکم حکومتی، هر روش عقلایی می‌تواند کاربرد داشته باشد و حتی قیاس و استحسان در صورتی که در این موارد از روش‌های عقلایی محسوب شوند، به کار گرفته خواهند شد.

در گفتار دوم، هم در تعریف ارشادی و مولوی، هم در تعیین مصادیق آن و هم در روش‌شناسی آن مطالبی نو و کلیدی طرح شده است. از نظر نویسنده، کامل‌ترین تعریف مولوی، طبق گفته محقق اصفهانی، آن است که گفته شود مولوی حکمی است که از مقام مولویت مولا صادر شود؛ تعریف به اینکه مولوی در مواردی است که عقل حکم داشته باشد نقض و رد می‌شود؛ تعریف اینکه مولوی ثواب و عقاب مستقل دارد نقض و رد می‌شود و حتی در ارشادی بودن بسیاری از مواردی که متأخران اذعان به آن دارند، اشکال خواهد شد. در روش‌شناسی حکم ارشادی نیز تنها یک معیار مورد تأکید قرار گرفته و آن دنیوی محض بودن مورد است. جالب آنکه تعریف ارشادی و مهم‌ترین شاخصه آن تا قبل از شیخ انصاری در فقه شیعه و عامه، دنیوی محض بودن آن بوده است و همه مباحث دیگر توسط شیخ و پس از او به میان کشیده شده است. طبق این تعریف و روش‌شناسی آن، بسیاری از آدابی که امروزه آداب مستحب یا مکروه مطرح است اگر دنیوی محض بودن آن اثبات شود - که بعید هم نیست - از اوامر و نواهی ارشادی محسوب و حکم به استحباب یا کراهت شرعی آن دچار مشکل می‌شود. در این گفتار، کلام بیشتر اصولیان مبنی بر ارشادی دانستن اوامری که برخی از احکام وضعی از آن انتزاع می‌شود، مورد نقد قرار گرفته و تأکید خواهد شد که این موارد ارشادی نیست بلکه وضعی مولوی است.

در گفتار سوم بحث شرعی بودن احکام امضایی اثبات می‌شود و فقدان دخالت مطلق شارع در احکام امضایی مورد انکار قرار می‌گیرد. تفاوت‌های حکم امضایی و حکم ارشادی از نکات ابداعی دیگر این گفتار است که در جای دیگر دیده نشده است. همچنین در این بحث شبهه نوپدید تاریخ‌مندی

برخی احکام امضایی و تعیین ملاک برای آن، که از سوی برخی اندیشمندان فقه و حقوق شیعه مطرح شده، با ادله متقن ابطال می‌شود.

ط) نقدهای ایرادشده در تحقیق

این مسئله تا حدودی از بحث در نوآوری‌ها روشن شد؛ البته در هر کدام از مباحث نقدهای جدید نیز طرح شده که با مراجعه به هر بحث، روشن خواهد شد و شمارش آن در این مقدمه ممکن و روا نیست.

ی) ساختار تحقیق

این تحقیق پس از مقدمه و کلیات، در پنج فصل و هفده گفتار تنظیم شده است. فصل اول با عنوان «چیستی و هستی حکم و برابند روش‌شناختی آن» در سه گفتار به معانی اعتبار، تعریف حکم و برابند روش‌شناختی اعتباری بودن حکم پرداخته است. در گفتار اول معانی اعتبار، دیدگاه‌های مختلف در حقیقت امر اعتباری، دیدگاه‌های مختلف در تبیین ماهیت انشا، رابطه انشا و اعتبار و رابطه اعتبار و تنزیل مطرح شده است. در گفتار دوم تعریف حکم شرعی و هفت نظر در تبیین حقیقت حکم تکلیفی شرعی مورد تحلیل و نقد و بررسی قرار گرفته است. در گفتار سوم برابند روش‌شناختی ماهیت حکم به بحث گذاشته شده است. در این گفتار، برابند روشی اعتباری بودن حکم نظیر چگونگی کاربرد عقل استدلالی در اعتباریات و تعبد در روش احراز اعتباریات مورد بحث واقع شده است.

در فصل دوم با عنوان «قلمرو حکم شرعی و برابند روش‌شناختی آن» پس از تعیین قلمرو احکام شرعی در گفتار اول، در دو گفتار دیگر برابند روشی آن تحلیل قرار گرفته و به تناسب به اعتبار امارات و حجج در اعتقادیات و بررسی نه نگاه در این خصوص، اعتبار حجج و امارات ظنی در تفسیر و در سایر علوم انسانی و بررسی پنج نگاه در این خصوص پرداخته و بحث‌های عمیق و ابداعی زیادی مطرح شده است.

فصل سوم با عنوان «ساختار داخلی حکم» در گفتار اول به تفکیک موضوع

حکم از متعلق حکم و متعلق متعلق حکم و سپس به بحث از مراتب حکم پرداخته است. در گفتار دوم مبنای مهم و کارگشای خطابات قانونیه که بحثی مترتب بر مراتب حکم است، مطرح و ضمن تبیین اصل مدعا و آثار و کارکردهای مهم اصولی مبنا، به دفاع از مبنا پرداخته و ضمن طرح هشت اشکال مهم، همه آنها مورد نقد قرار گرفته است.

فصل چهارم کتاب با عنوان «مبادی حکم و برآیند روش شناختی آن» در دو گفتار به تبیین ضرورت و ادله تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و تبیین خاستگاه ملاکات احکام پرداخته است و در گفتار سوم توانایی عقل در کشف ملاکات بحث و نقادی شده است.

فصل پنجم به تبع اقتضای مباحث، در شش گفتار تنظیم شد و ظرفیت گفتارهای دیگری را هم داشت که به علت ظرفیت محدود تحقیق از طرح آن صرف نظر شد. گفتار اول بحث از ماهیت حکم حکومتی و برآیند روش شناختی آن را مورد تحلیل قرار داده است. در گفتار دوم بحث مهم ارشادی و مولوی مطرح شده که حاوی نکات بدیع و مطالب نو فراوانی است؛ تعریف خاص از حکم ارشادی و رد تعاریف رایج، تفکیک میان دو اطلاق ارشادی در اصول فقه، نقد معیارهای مطرح در تمایز ارشادی از مولوی و طرح سنجه مختار و دفاع از آن، از جمله مباحث مطرح در این گفتار است. گفتار سوم عهده‌دار بحث از احکام امضایی و تأسیسی و روش‌های تمییز هر یک از دیگری است. در این گفتار مباحثی چون تعریف حکم امضایی، شرعی بودن امضاییات، تفاوت حکم امضایی و حکم ارشادی و پاسخ به شبهه تاریخ‌مندی برخی احکام امضایی مطرح شده است.

گفتار چهارم به بحث از تعریف حکم وضعی، وجه تسمیه آن، دایره احکام وضعی، حقیقت حکم وضعی و روش‌شناسی آن اختصاص یافته است. در گفتار پنجم بحث احکام ظاهری و واقعی مطرح و راه‌های برون‌رفت از اشکالات اجتماع حکم ظاهری و واقعی مورد تحلیل قرار گرفته است. سرانجام، تعبدی و توصلی تقسیم دیگری از حکم است؛ البته در واجبات و

مستحبات، که گفتار ششم عهده‌دار تبیین حقیقت و روش‌شناسی آن است. در پایان شایان ذکر است برخی مطالب کتاب، به‌خصوص در بعضی گفتارهای اولیه را مدیون تلمذ هشت‌ساله در محضر درس فلسفه اصول استاد گرانقدرم حضرت آیت‌الله صادق آملی لاریجانی هستم و چون غیر از مکتوبات خودم و جزوه‌های درسی استاد سند دیگری موجود نبود، ناچار به استناد به همان جزوه درسی با بیان شماره جلسه اکتفا کردم. مطالبی که از استاد بیان کرده اما نقد نکرده‌ام، مورد اعتقاد خودم نیز هست. با پوزش از محضر استاد، امیدوارم رعایت امانت کرده باشم.